

## آمد بهار

آمد بهار ولیک، به مُلک عزیز مان  
از ظلم طالبان به فرار است مردمان  
از جور ظالمان غربا، بی حساب بوند  
نی آب و نی غذا، نه مسکن و اقربان  
از ترس کرگسان و کلاغان نیامدند  
قمری و بلبلان به باغ ها نغمه خوان  
از جنگ خانه سوز، وطن غرق خون بود  
میهن خرابه گشته، زدست ستمگران  
طالب به ظلم خود روانست و کشورم  
در قتل های ناروا، شده اول در جهان  
گرگان رنگ رنگ ویزیدان کشورم  
بیرحمانه میکشند، زمردان و بانوان  
آن رهبران دزد، بخاطر خود سعی میکنند  
یک قانیدی ز راه خدا نیست در میان  
اشک یتیم و بیوه زنان بی اثر شده  
بر قلب همچو سنگ تفنگدار جانیان  
تا کی حیدری، به یاد وطن گریه می کنی؟  
نالہ بکن به پیش خداوند انس و جان

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۳۱، ۳، ۲۰۲۲، سدنی